

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۲ دسمبر ۲۰۱۱

ناسیونالیسم

ناسیونالیسم یک اصل ایدئولوژیکی و سیاسی بورژوائی است که بیان کننده افراد ملی، تبلیغ بی اعتمادی نسبت به ملیت های دیگر و دشمنی میان آنها است. بنابر این ناسیونالیسم را با معنی فوق نباید با میهن پرستی و دفاع از حقوق ملی و حق حاکمیت ملی که وظیفه هر مبارز انقلابی و کمونیست راستین است، اشتباه گرفت.

ریشه ناسیونالیسم در مشخصات و ویژگی های تکامل سرمایه داری نهفته است. ناسیونالیسم که نشان دهنده رابطه میان ملیت ها در دوران سرمایه داری است، به دو شکل اساسی تظاهر می یابد: یکی "شونینیسم قدرت بزرگ" که توسط یک ملیت غالب با تحقیر ملیت های دیگر و تجاوز به منافع آنها همراه است و دیگری ناسیونالیسم محلی یا ملیت سرکوب شده که با کوشش برای بقای خود، انزوا، افراد و بی اعتمادی به ملیت های دیگر مشخص می شود.

ناسیونالیسم در روند تشکیل ملیت ها که با ظهور زبان ها و فرهنگ های ملی و با قالب ریزی شدن و شکل گرفتن یک احساس یا روحیه ملی همراه بود، ظاهر گردید. این ناسیونالیسم قبل از هر چیز از منافع اقتصادی سرمایه داری و طبقه سرمایه دار که در سطح ملت ها شکل گرفته و رشد یافته بود در مقابل خارجی و دیگر ملت ها دفاع می کرد. ناسیونالیسم به صورت وسیله مؤثری در دست بورژوازی برای مشوب کردن آگاهی طبقاتی پرولتاریا و خلق ها و صدمه زدن به خصلت انترناسیونالیستی جنبش های کارگری و زدودن خصلت طبقاتی آنها و توجیه استعمار نوین به کار می رود.

ناسیونالیسم برای زحمتکشان که منافع آنها فقط به وسیله انترناسیونالیسم پرولتری بیان می شود قابل قبول نیست. اما در مرحله معینی از جنبش آزادیبخش ملی، ناسیونالیسم ملیت های تحت ستم قدرت های بزرگ از نظر تاریخی از خصلت و محتوای دموکراتیک و ضد امپریالیستی بر خوردار بوده و خواهان آزادی ملی و استقلال اقتصادی است. در اینصورت در این مرحله معین، کمونیست ها از ناسیونالیسم ملیت های تحت ستم باید دفاع نمایند.

در عین حال، کمونیست ها نباید از ناسیونالیسمی که به وسیله مرتجعین داخلی و به منظور استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان کشور خودی و استحکام پایه های استثمار سرمایه داری تبلیغ می شود، پشتیبانی نمایند. بلکه باید ماهیت واقعی اینگونه ناسیونالیسم را افشاء و با آن به مبارزه پردازند.

در مقابل ناسیونالیسم که ریشه در فرد گرایی و خود پرستی گروهی بورژوائی و تنفر نسبت به دیگران دارد و قبل از همه به منافع بورژوازی خدمت می کند، پرولتاریا و کمونیست ها درفش انترناسیونالیسم پرولتری را به اهتزاز در می آورند که در وجه کمونیستی و جمعی، دوستی و همبستگی و پیوند با پرولتاریا و خلق های زحمتکش سایر کشور ها پایه دارد، کمونیست ها در عین انترناسیونالیست بودن میهن پرست ترین افرادند، زیرا برای رهائی میهن از قید سلطه امپریالیسم و ارتجاع و نظام های استثمارگر اجتماعی تا آخرین نفس می رزمند و تن به هیچ گونه سازشی نمی دهند و نیز به این حقیقت آگاهند که رهائی هر کشور و هر خلق از یوغ امپریالیسم و واژگونی نظام های استثمار و استقرار حکومت های خلقی و پرولتری ضربه دردناکی به نظام ارتجاعی امپریالیسم جهانی و کمکی شایان به آرمان انترناسیونالیسم پرولتری و رهائی پرولتاریا و کلیه زحمتکشان از یوغ بردگی و بندگی است. برای کمونیست ها، انترناسیونالیسم و میهن پرستی با هم در یک وحدت دیالکتیکی قرار دارند. در تحت نظام سوسیالیستی که برابری واقعی ملیت ها را تحقق می بخشد و با حذف شرایط عینی و مادی زیست ناسیونالیسم، این پدیده اندک اندک از میان می رود.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم